

نقش متغیرها و توانمندی‌های جغرافیایی در توسعه اقتصادی و اقتدار منطقه- ای و بین‌المللی ایران با تاکید بر منطقه دریای خزر و خلیج فارس

علی زمانی^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محبوبه کنشلو

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۹ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴

چکیده

متغیرهای جغرافیایی همواره نقشی استراتژیک در توسعه اقتصادی و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی امپراتوری‌های باستانی و نیز دولت-ملت‌های عصر مدرن ایفا کرده‌اند. راه‌ها، منابع، هجوم و دفاع، تولید، زاد و ولد و رشد جمعیت، عمق سرزمینی، آب و هوا، مرزها، توپوگرافی و شکل سرزمینی از جمله متغیرهای جغرافیایی تاثیرگذار در توسعه اقتصادی و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی کشورها هستند. توسعه اقتصادی و اقتدار منطقه‌ای ایران نیز تا اندازه زیادی وابسته به نقش متغیرها و توانمندی‌های جغرافیایی است. در این راستا دو منطقه‌ای که از اهمیت بیشتری برخوردارند دریای خزر و خلیج فارس است. هدف این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی نقش متغیرها و توانمندی‌های جغرافیایی در توسعه اقتصادی و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی ایران با تاکید بر منطقه دریای خزر و خلیج فارس. سوال اصلی مقاله این است که منطقه دریای خزر و خلیج فارس چه جایگاهی در توسعه اقتصادی و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی ایران دارند؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخگویی به این سوال اصلی در صدد آزمون آن هستیم این است که مسیر درون دادها و برون دادهای سیستم توسعه و اقتدار منطقه‌ای ایران متغیرهای جغرافیایی به ویژه در منطقه دریای خزر و خلیج فارس هستند. روش این مقاله توصیفی تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین نقطه قوت ایران برای توسعه و اقتدار منطقه‌ای وجود دو منطقه دریای خزر و خلیج فارس است اما از طرف دیگر جریان‌ات فرامنطقه‌ای با اعمال تهدید و تحریم و فشار محدودیت‌هایی را برای بهره‌برداری ایران از این دو منطقه به وجد آورده‌اند.

کلمات کلیدی: متغیرها جغرافیایی، توسعه اقتصادی، اقتدار منطقه‌ای، دریای خزر، خلیج فارس.

مقدمه

جغرافیا به عنوان پلی میان انسان و علوم فیزیکی، به دو شاخه اصلی جغرافیای انسانی و جغرافیای طبیعی تقسیم شده است. جغرافیا را می‌توان همان‌طور که ویدال دولابلش بیان کرده علم روابط متقابل انسان و طبیعت دانست (ابوالفتحی و لطفی، ۱۳۹۷). وی بیان می‌کند که طبیعت امکان‌هایی را در اختیار انسان قرار می‌دهد و انسان بر اساس فرهنگ خود از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند، البته باید توجه داشت که در دهه‌های اخیر انتقادهای بسیاری به این تعریف وارد شده است و امروزه اقتصاد سیاسی، مفهوم بازساخت، اقتصاد بازار آزاد در مرکز همه تعاریف جغرافیایی قرار گرفته است. علم جغرافیا امروزه از اهمیت زیادی برخوردار است (اخباری، ۱۳۹۶). علاوه بر تدریس جغرافیا در مقاطع مختلف تحصیلی، جغرافیا سهم مهمی در سازماندهی فضا و برنامه‌ریزی و مدیریت منابع و آمایش سرزمین دارد. امروزه ماهیت علم جغرافیا نسبت به گذشته تفاوت زیادی کرده است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۳). گسترش داده‌ها و اطلاعات جغرافیا از یک طرف و شناسایی رابطه‌ی متقابل حوزه‌های جغرافیایی از طرف دیگر، موضوعات جدید میان رشته‌ای را ایجاد کرده است. علوم جغرافیایی نقش ممتاز و موثری در تحلیل و ترسیم رابطه متقابل انسان و محیط پیرامون وی را دارند (اقبالی و همکاران، ۱۳۹۵). گنجاندن درس جغرافیا در برنامه آموزشی دانش‌آموزان باعث می‌شود که دانش‌آموز بتواند محیط زندگی و جهان خود را بهتر بشناسد و با محدودیت‌ها، توان‌ها و زیبایی‌های طبیعی آشنا شود و با درک صحیح روابط متقابل انسان و محیط، احساس مسئولیت بیشتری نسبت به محیط زیست خود داشته باشد (پویا، ۱۳۹۸).

انسان و محیط دو موضوع اصلی علم جغرافیا می‌باشند به همین خاطر شاخه‌های اصلی این علم شامل دو گروه: جغرافیای انسانی و جغرافیا طبیعی می‌باشند و فنون جغرافیایی نیز بنحاطر تهیه و تحلیل اطلاعات مربوط به دو موضوع کلی فوق، گروه سوم علم جغرافیا را تشکیل می‌دهد. هرچند که جغرافیا موضوعات جداگانه‌ای را مطالعه می‌کند اما در این بین بررسی روابط متقابل انسان و محیط زیست طبیعی هدف این علم است (حسینی احمدی و همکاران، ۱۳۹۸). جغرافیا بیشتر اطلاعات خود را از علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی کسب می‌کند و در این میان جغرافیای طبیعی، وظیفه‌ای حساس در کسب اطلاعات زیربنایی از محیط زیست انسان را برعهده دارد (حیدری صوفیانی و همکاران، ۱۳۹۷). به همین دلیل موضوعاتی را مطالعه می‌کند که شامل جغرافیای ریاضی، اقلیم، آب در تمام اشکال آن، ناهمواری‌ها، خاک‌ها و رویش گیاهان است. لذا جغرافیای طبیعی رابطه مستقیمی با علوم همچون؛ هواشناسی، آب‌شناسی، زمین‌شناسی، خاک‌شناسی و گیاه‌شناسی دارد. با مطالعه اجزای محیط زیست طبیعی و اثرات آن‌ها، جایگاه و وظیفه انسان در میان آنها مشخص می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). جغرافیا به عنوان یکی از قدیمی‌ترین علوم، دانش‌گرانه‌ای است که ریشه در اولین هسته‌های کانون بشری دارد تقریباً ۲۳۰۰ سال قبل از اراتوستن کلمه جغرافیا را به کار گرفت. او از جغرافیا چنین تعریفی ارائه می‌دهد: «مطالعه زمین به عنوان جایگاه انسان» در طول تاریخ، آگاهی‌های جغرافیایی نه تنها کنجکاو بشر را پاسخگو بوده بلکه در امور روزمره و روابط انسانی نیز کاربردهای علمی داشته است و به همین خاطر است که جغرافیا علم زندگی لقب گرفته است (زین افزا و ستوده، ۱۳۹۷). اغلب اوقات و یا در شرایط خاص زمانی، جغرافیا با توجه به قلمروهای وسیع و گوناگون خود نمی‌تواند تنها به یک تعریف بسنده کند؛ زیرا در هر عصر و زمانه‌ای فضاهای جغرافیایی با حاکمیت شرایط

جدید سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تغییر می‌یابد و هر جامعه‌ای با تأثیر پذیری از عوامل خواص خود فضاهای جدید جغرافیایی می‌سازد (زینتی و همکاران، ۱۳۹۸). شاید منشاء چنین جریانی بخشی از توانمندی‌های علم جغرافیا است که قلمرو خود را نمی‌تواند به یک تعریف و اصول ثابت محدود و مقید سازد. هدف این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی نقش متغیرها و توانمندی‌های جغرافیایی در توسعه اقتصادی و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی ایران با تأکید بر منطقه دریای خزر و خلیج فارس. سوال اصلی مقاله این است که منطقه دریای خزر و خلیج فارس چه جایگاهی در توسعه اقتصادی و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی ایران دارند؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخگویی به این سوال اصلی در صد آزمون آن هستیم این است که مسیر درون داده‌ها و برون داده‌های سیستم توسعه و اقتدار منطقه‌ای ایران متغیرهای جغرافیایی به ویژه در منطقه دریای خزر و خلیج فارس هستند. روش این مقاله توصیفی تحلیلی است.

رویکرد نظری

جغرافیا از دو کلمه یونانی Geo و Graphus گرفته شده و به معنی شناسایی و ترسیم زمین است. اصل کلمه یونانی و به صورت «جئوگرافیا» بوده و معرف آن «الجغرافیه» و واژه «جغرافی» و «جغرافیا» که هر دو در زبان فارسی متداول و دارای یک معنی می‌باشند از زبان عربی گرفته شده است (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۸). در زبان انگلیسی Geography (جئوگرافی) آمده و اسمی مرکب است و از دو بخش؛ Geo: پیشوند و به معنی «زمین» و «خاک» (گاهی به معنی «جغرافیا» و «جغرافیایی») graphy: پسوند و به معنی «هنر و فن نوشتن و شرح دادن و نمایش دادن» و «علم» و «دانش»؛ بنابراین معنی واژه فن یا علم یا دانش نوشتن و شهر دادن احوال زمین و نمایش نقشه آن بر روی کاغذ است تعریف‌های متفاوتی از جغرافیا ارائه شده است و هر تعریف بر مبنای یک استناد علمی و یک مبنا و بحث استوار است (Alijani, 2002: 7).

با توجه به عوامل محیط طبیعی و ویژگی‌های جامعه انسانی علم جغرافیا را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد:

الف - جغرافیای طبیعی

ب - جغرافیای انسانی

استیپ جغرافیدان معروف انگلیسی جغرافیا طبیعی را بدین‌سان تعریف می‌کند: مطالعه جغرافیایی از چهره‌های طبیعی سیاره زمین. این رشته از جغرافیا به تجزیه و تحلیل سنجش پراکندگی اشکال زمین، آب و هوا، آب‌ها و خاک‌ها، گیاهان، حیوانات، معادن و سایر پدیده‌های طبیعی می‌پردازد (تعریف جغرافیای طبیعی) (شریعت پناهی و همکاران، ۱۳۹۳).

شاخصه‌های اصلی جغرافیا طبیعی را می‌توان به شرح زیر مورد مطالعه قرار داد:

ژئومورفولوژی از اشکال زمین پیدایش و تکوین و پراکندگی آنها بحث می‌کنند. ژئومورفولوژی به وسیله ویلیام دوپس (۱۸۵۰-۱۹۳۴ میلادی) جغرافیدان آمریکایی شکل گرفت و با تحقیقات ارزشمند جغرافیدانانی نظیر (والتر پنگ، کینگ، لئو، چرلی) که به قوانین و اصول علمی خود رسید (Shayan, 2015: 2).

هربرت کریل جغرافیدان آمریکایی معتقد است جغرافیای انسانی به تجزیه و تحلیل پراکندگی انسان و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی او می‌پردازد (PourAhmad, 2001: 614).

با توجه به اثرات ناگوار ژئوپلیتیک و استفاده نابغ و قانع از آن در بحران‌ها و کشمکش‌های سیاسی و جنگی بعضی از جغرافیدانان لازم آمد که علم جغرافیا را جهت به زیستی گروه‌های بشری به خدمت گیرند از این رو در سال (۱۹۴۷ میلادی) عنوان ژئوپاسفیک به وسیله پروفیسور گرفت تیلر ارائه شده که هدف از آن مطالعه جغرافیا برای دریافت صلح و صفا و آزادی و انسان دوستی است (Golfeshan and Waseg, 2016: 199).

جغرافیای سکونت رابطه نزدیکی به جغرافیای جمعیت دارد زیرا پراکندگی جمعیت و نتایج ناشی از آن به شدت در وسعت فضا و استقرار واحدهای سکونتی مؤثر می‌افتد. از این رو از یک مسکن ساده روستایی در یک دهکده تا شهرهای اقماری در یک جامعه شهری غول آسا زیر نفوذ عامل جمعیت قرار می‌گیرد (شریعت پناهی و همکاران، ۱۳۹۶). اصولاً هر واحد سکونتی یا واحدهای مسکونی تعداد انسان‌ها، نوع وضعیت، میزان رشد اقتصادی در سبک معماری و به‌طور کلی نمایشگر مطمئنی از فرهنگ انسان‌ها در زمان معین، با توجه به محیط طبیعی آنها است (Mahdavi and Ahmadi, 2011: 184).

جا یا مکان جغرافیایی به بخشی از فضای جغرافیایی گفته می‌شود که از سوی فردی یا چیزی اشغال شده است. حجم را تصاحب می‌کند. این حجم تابع خصوصیات فضایی که آن را اشغال کرده می‌تواند نسبی یا مطلق باشد. «مکان» زیر مجموعه فضا است. موقعیت تابع مکان و هر مکان درون یک فضا است (شعبانی، ۱۳۹۸). با مطلق یا نسبی مکان و موقعیت نیز دچار تحول مفهومی می‌گردند. مکان به یک واحد از فضا اطلاق می‌شود مثل یک شهر، استان، یک کشور. در تعریف مکان می‌نویسد: مکان جای خاص در سطح زمین است که محدود به موقعیتی با هویت و قابل شناسایی و برخوردار از ارزش‌ها ویژه و معین است (طاهری و همکاران، ۱۳۹۷). به عبارتی هرگاه موقعیت حاوی اطلاعات معین و خاص بوده و هویت پیدا کند به مکان تبدیل می‌شود. عنصر اصلی یک مکان به نظر جانستون و به نقل از آگینو عبارت است از:

بستری که در آن روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. این روابط می‌توانند رسمی یا نهادی و غیررسمی باشند (عاشوری و مرتضایی، ۱۳۹۷).

موقعیت که در آن تعامل اجتماعی روی می‌دهد: تعاملی که با فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی عمل کند. در مقیاس وسیع‌تر تعریف می‌شود و به‌وجود آورنده احساس مکان است که با ساختار مجازی احساس در ارتباط است. به گفته‌ی جانستون مکان واژه‌ای است که کاربردهای بسیار متداول اما کمتر به معنی آن دقت شده است و استعمال آن مشکلات زیادی برای جغرافیدانان به بار آورده است انسان‌ها در مکان ساخته می‌شوند (شکوهی، ۱۳۷۸: ۲۸۸). گاتمن با نقل از قول ارسطو می‌گوید چیزی که در جایی و مکانی قرار ندارد وجود ندارد به گفته ریچارد مویر: ادبیات جغرافیایی درباره‌ی مکان غالباً غیرقابل فهم و مبهم و گیج کننده است بحث مکان از دیرباز یکی از سرشاخه‌های اصلی علم جغرافیایی بود. ولی بحث فضا در این عرصه با چالش جدیدی روبه‌رو شده است (عالیفرجا و همکاران، ۱۳۹۸).

به‌طور ساده مکان بخشی از فضای جغرافیایی است مکان‌ها به صورت یک دستگاه محدود شده‌ای است که در آن روابط اجتماعی، هویت و زندگی به‌وجود می‌آید مکان‌ها رفتار انسان‌ها را تنظیم می‌کنند و به آن جهت می‌دهند (شکوهی، ۱۳۸۸: ۲۷۸).

جان اوری، جامعه‌شناس معروف انگلیسی در اثر خود تحت عنوان «کالبد شکافی جامعه‌ی سرمایه‌داری» روی سه عامل اقتصاد، جامعه‌ی مدنی و دولت تأکید می‌کند و ماهیت مکان را تنها از این سه عامل جستجو می‌کند. اقتصاد قلمرو تولید و نیازهای مادی را شامل می‌شود. جامعه‌ی مدنی قلمرو رقابت است و دولت در جامعه‌ی سرمایه‌داری قلمرو تولید را با راهبرد انباشت و نظام بخشی به امر مصرف در جامعه‌ی مدنی به عهده دارد (عربگری و لطفی، ۱۳۹۸).

از نظر جان اوری از جامعه‌ی سرمایه‌داری افراد در سه قلمرو به مبارزه و رقابت می‌پردازند که این سه قلمرو تولید سرمایه‌داری دولت و جامعه‌ی مدنی می‌باشند به تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند (شکوهی، ۱۳۷۸: ۲۷۵).

رونالد جانستون جغرافیدان انگلیسی در شناخت مکان سه عامل اصلی را در نظر می‌گیرد:

۱. محیط طبیعی

۲. محیط انسان ساخت

۳. مردم (شکوهی، ۱۳۷۸: ۲۷۸)

مطالعه‌ی کیفیت زندگی مردم یک مکان، در داخل مجموعه‌ای از محیط طبیعی و محیط انسان ساخت صورت می‌گیرد. محیط انسان ساخت تنها الگوها سکونتگاهی را شامل نمی‌شود بلکه به کلیت همه‌ی آنچه را که جامعه‌ی انسانی به وجود آورده است اطلاق می‌گردد (عزتی و حسنی، ۱۳۹۳). در مکان سه عامل محیط طبیعی، محیط انسان ساخت و مردم پیوستگی داخلی با یکدیگر پیدا می‌کنند. در مطالعه‌ی مردم، تحلیل کیفیت زندگی، چگونگی سازمان-یابی شرایط مادی، چگونگی زندگی اجتماعی مردم و چگونگی ساختار سیاسی آنها در ارتباط با کلیت شرایط زندگی مردم مورد توجه قرار می‌گیرد. پس اگر بخواهیم موقعیت یک مکان را بشناسیم، لازم است که همه‌ی عوامل سه‌گانه‌ی فوق، محیط طبیعی، محیط انسان ساخت، مردم و عوامل وابسته در ارتباط با هم مورد بررسی واقع می‌شوند (عزتی و نامی، ۱۳۹۱).

بین مکان‌ها سه عامل یا ویژگی باعث افتراق مکانی می‌شوند که عبارت‌اند از:

مکان‌ها، همواره گرایش به کارکردهای تخصصی دارند و در مقیاس جهانی تقسیم فضایی کار در ابعاد مختلف، شرایط کارکردهای تخصصی را تشدید می‌کنند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۳).

بین مکان‌ها، در تخصص یابی فناورانه و به کارگیری آن تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود.

تخصصی شدن نهادی که از نظام‌های بزرگ‌تر نظیر دولت، مذهب، تعلیم و تربیت گرفته تا مقیاس‌های کوچک‌تر مثل انواع نقش‌ها را شامل می‌گردد (غلامرضایی و حسن آبادی، ۱۳۹۶).

گفتنی است که سه عامل ویژگی یافتن محلی، تخصصی شدن فناورانه و تخصصی شدن نهادی تأثیرات متقابلی با یکدیگر دارند و در ارتباط باهم مالکیت به هم بافته‌ی مکان جغرافیایی را شکل می‌دهد و افتراق مکانی را به وجود می‌آورد (فراهانی و پیشگاهی فرد، ۱۳۹۳).

مکان جغرافیایی، فضای جغرافیایی و ویژگی‌های مترتب بر آنها:

مکان مرکز عمل آگاهانه و اراده‌ی انسان‌هاست، مرکزی است که در آن از رویدادهای مختلف تجربه‌ی زندگی می‌آموزیم. رویدادها و عملکردهای آگاهانه، تنها در ساخت مکان‌های معین پر اهمیت جلوه می‌کنند، هویت هر

مکان از سه عامل تشکیل می‌شود: عوامل مشخص طبیعی و نمود ظاهری آن فعالیت‌های مشاهده پذیر و کارکردها مفاهیم یا نمادها.

مکان کانون علم جغرافیا، تفاوت‌ها و گوناگونی‌های مکانی بسیار زیاد است این گوناگونی‌ها نتیجه‌ی عوامل مؤثر داخلی و خارجی است (فلاح تبار، ۱۳۹۶).

از درهم تنیدگی تعاملات انسان و مکان فضا خلق می‌شود. فضا خود شیوه‌ی موجودیت جوامع به حساب می‌آید تا آنجا که هیچ جامعه‌ای بدون فضایی که خود به آن سازمان بخشیده وجود نمی‌یابد. فضا بعد ذاتی هر جامعه است و جامعه به اشکال مادی مرئی به فضا (چشم انداز فضا و بوم) امکان سازمان یافتگی می‌بخشد (فیروزی، ۱۳۹۵). این فضا به هیچ روی به پدیدارهای مرئی و مادی محدود نمی‌ماند. بلکه به میدان‌های نیرو و به جریان‌هایی تسری می‌یابد که تنها با دست یازیدن به نوعی تحقیق جغرافیایی می‌توان به ماهیت آنها پی برد از این رو فضای جغرافیایی را نمی‌توان یک فضای طبیعی به حساب آورد فضا تولید می‌شود و سازمان می‌یابد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶).

تعریف رایج از جغرافیا به عنوان «علم سازمان‌دهی فضا» با این خطر روبه‌رو است که سازمان‌دهی را حاصل نظم‌ی که پیشاپیش بر قرار شده بپندارد. درحالی‌که سازمان‌دهی فضا زاده‌ی حرکت مداوم و تغییرات فضای جغرافیایی و فضای اجتماعی است و صورت‌ها و ساخته‌های آن آفریده‌ی کنش انسانی است (قصاب زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

بنابراین شکل‌گیری فضا صورتی اجتماعی دارد این فضا از ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های وسیع شبکه‌های ارتباطی در هم تنیده و گسسته در مقیاس‌ها مختلف از محلی تا جهانی خلق می‌شود آنچه یک دیدگاه فضایی خاص از این ارتباطات اجتماعی را به وجود می‌آورد هم‌زمانی آنهاست (کردوانی و همکاران، ۱۳۹۵).

وقتی در جغرافیا از فضا سخن به میان می‌آید، فضا به معنای کهکشان نیست بلکه اشکال طبیعی سطح کره‌ی زمین است که دارای طول و عرض و ارتفاع بوده و سه بعدی می‌باشند.

فضای جغرافیایی بازتابی از آگاهی‌های اساسی انسان از جهان، تجربیات او از زندگی و پختگی‌های ارادی او با محیط خود است فضای جغرافیایی، فضایی منحصر به فرد برای فرهنگ است در واقع فضای انسان زاده‌ای است که تجربیات فرهنگ‌های خاصی را از زندگی به جا می‌گذارد فضای جغرافیایی با تصمیمات انسانی، فردی یا جمعی، اختیاری یا اجباری، آگاهانه یا ناآگاهانه به‌طور مرتب تغییر می‌یابد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷).

مکان و فضای جغرافیایی دو مفهوم وابسته به هم هستند. مکان جغرافیایی متناظر با نقطه‌ای سه بعدی محدود با وسعت است که در فضا تعیین پیدا می‌کند فضای جغرافیایی نیز متناظر با عرصه سه بعدی محدود با وسعت است که مرکب از مکان‌ها و نقطه‌هایی است که فضا با یکدیگر همیشه بوده و دارای کنش متقابل هستند بنابراین منظور از مکان یک نقطه مشخص است که ممکن است در یک فروشگاه یا مدرسه و یا در مقیاس وسیع‌تر روستا و شهر حمل شود. مقصود از فضا نیز بخشی از سیاره زمین و به عبارتی عرصه‌ای مشخص است که مرکب از مکان‌های مرتبط باهم بوده و ممکن است بر یک محدوده شهری و ناحیه‌ای آمایش یافته. ناحیه نفتی، ساحلی، جنگلی واحدهای تقسیمات کشوری قلمرو ملی کشور سازمان منطقه‌ای نظیر اکو یا اتحادیه‌ی اروپا و نظایر آن تطبیق پیدا کند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی می‌توان گفت که مکان کوچک‌ترین واحد فضایی مربوط است که یک سیستم با ساختار تجزیه‌ناپذیر و بسیط فضایی را که ناشی از تعامل انسان و محیط زندگی اوست در خود جای داده است درحالی‌که فضا چارچوب گسترده‌ای است که ساختار با سیستم کلان و تجزیه‌ناپذیر فضایی که مرکب از ساختارهای مکان است را در خود جای داده است؛ مانند یک شهر یا قلمرو و شهرستان که ساختارها و دستگاه‌های فضای آموزشی، اداری، درمانی، اقتصادی و ... را که هر کدام مرکب از مکان واحدهای مربوط در سطح شهر یا شهرستان بود؛ و هر کدام بین اجزای خود اجزایی سایر ساختارها روابط متقابل دارند را در خود جای داده است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵).

فضا

در تعریف فضای جغرافیایی تنوع وجود دارد و تعاریف نیز، همپوشی‌های گسترده‌ای باهم دارند. پیترهاگت: می‌نویسد فضا به معنای حوزه یا ناحیه‌ای بزرگ است معمولاً بر حسب سطح زمین نشان داده می‌شود. فضای جغرافیایی مانند فضای اقتصاددانان و ریاضی‌دانان، از ترکیب مجموعه‌ای از مناسبات پدید آمده که همواره در حال تغییر و تحول‌اند؛ اما این روابط و مناسبات در خلأ شکل نگرفته‌اند. بلکه در سطح سیاره زمین و در محیط انسانی موجودیت یافته‌اند (مرادی نیا و همکاران، ۱۳۹۸).

در جغرافیا، مفهوم فضا به دو صورت به کار گرفته می‌شود:

الف- فضای مطلق

ب- فضای نسبی

فضای مطلق دارای کیفیت عینی، واقعی، مشخص و طبیعی است. فضای نسبی، بطور مداوم در اثر نیازهای اجتماعی - اقتصادی و شرایط فناورانه در وسعت و فرم تغییر می‌یابد (مشکین فر و همکاران، ۱۳۹۶). از مفهوم فضای نسبی مفاهیمی نظیر فضای اقتصادی، فضای تجربی و ... استفاد می‌شود؛ بنابراین، فضای نسبی، مقید به زمان و فرآیند است. از نظر دیویدهاروی، به تعداد عملکردهای انسانی و فرآیندهای اجتماعی، فضاهای نسبی وجود دارد. در دیدگاه علم فضایی، مردم در فضاهای نسبی زندگی می‌کنند (نامی و همکاران، ۱۳۹۳).

محدوده مورد مطالعه

خزر، نام دریایی در شمال ایران، در همسایگی استان‌های گیلان در غرب و جنوب غربی، مازندران در جنوب و جنوب شرقی و گلستان در شرق. این دریا یا دریاچه بسته و محصور در خشکی خزر با چهار کشور ترکمنستان در شرق، قزاقستان در شرق و شمال شرق، روسیه غرب و شمال غرب و با آذربایجان (= اران) در غرب همسایه است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۸). خزر به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان، دارای مساحتی در حدود ۴۳۶۰۰۰ کم، طولی معادل ۱۲۰۰ کم و عرضی برابر با ۲۲۰ تا ۵۵۰ کم است. سطح آب این دریا ۲۸/۵ م کمتر از میانگین سطح دریاهای آزاد و گودی آن در قسمت‌های شمالی ۱۰ تا ۱۲ متر، در قسمت میانی تا ۷۷۰ متر و در جنوب یعنی سواحل ایران تا ۱۰۰۰ م نیز به دست آمده است (هداوند میرزایی، ۱۳۹۶). مقدار سطح و عمق این دریا در برخی منابع تاریخی، به سبب افزایش یا کاهش آب‌های ورودی به آن در دوره‌های متخلف، با هم تفاوت‌هایی دارد. دریای خزر در گذشته بخشی از دریای تتیس بود که اقیانوس آرام را به اقیانوس اطلس متصل می‌کرد. این دریا که گاهی

بزرگترین دریاچه جهان و گاهی کوچکترین دریای خودکفای کره زمین طبقه‌بندی می‌شود، بزرگترین حوض آبی محصور در خشکی است. طول آن حدود ۱۰۳۰ تا ۱۲۰۰ کیلومتر و عرض آن بین ۱۹۶ تا ۴۳۵ کیلومتر است. سطح دریای خزر در حدود ۲۸ متر پائین‌تر از سطح دریاهای آزاد است (یحیی پور و همکاران، ۱۳۹۶).

قسمت شمالی این دریا بسیار کم عمق است. به طوری که تنها نیم درصد آب دریا در یک چهارم شمالی دریا قرار دارد و عمق آن به طور میانگین کمتر از ۵ متر است. حدود ۱۳۰ رودخانه به این دریا می‌ریزند که اکثر آن‌ها از شمال غربی به دریا می‌پیوندند. بزرگترین آن‌ها رود ولگا است که هر سال به طور میانگین ۲۴۱ کیلومتر مکعب آب را وارد دریای خزر می‌کند. رودهای کورا ۱۳، اترک ۸۰۵، اورال ۸۱ و سولاک ۴ کیلومتر مکعب آب را سالانه وارد دریا می‌کنند. طبیعت بسته خزر آن را منزلگاه جانوران و گیاهان منحصر به فردی کرده است اما در عین حال موجب شده تا در مقابل آلودگی‌های کشاورزی و صنعتی و نفتی بسیار آسیب‌پذیر باشد. از منابع مهم دریای خزر ذخایر نفت و گاز موجود در زیر بستر دریا و همچنین انواع ماهیان خاویاری را می‌توان نام برد (یزدان پناه درو، ۱۳۹۷).



نقشه ۱: موقعیت دریای خزر

منبع: <http://portal.nlai.ir>

- اگر سواحل دریای خزر را به پنج منطقه تقسیم کنیم، رودها و رودخانه‌های موجود در هر منطقه به شرح زیر هستند:
۱. منطقه جنوبی (سواحل ایران از شرق به غرب): رودهای اترک، گرگان، قره سو، تجن، طالار، هراز، چالوس، چشمه کیله (تنکابن)، پلرود، شلمان رود، چمخاله، سفیدرود، پسیخان، شاخزر، ماسوله، لمبر، گرگان رود و چند رود کوچک دیگر (نیز نک: رودخانه‌های ایران) (یزدان پناه و همکاران، ۱۳۹۸).
 ۲. منطقه جنوب شرقی دریا (سواحل ترکمنستان): به جز رودخانه محلی کوچک، رود قابل ذکری ندارد.
 ۳. منطقه شمال شرقی (سواحل قزاقستان): به جز چند رودخانه محلی، تنها رود قابل ذکر رود امبا است.
 ۴. منطقه شمال و شمال غربی (سواحل فدراسیون روسیه): اورال، ولگا با شعبه‌های چندگانه و چند رودخانه محلی دیگر (یزدان پناه و همکاران، ۱۳۹۸).

۵. منطقه غرب دریا (سواحل جمهوری خودمختار داغستان از فدراسیون روسیه و جمهوری آذربایجان): کوما، ترک، سمور، کورا، ارس و چند رود محلی دیگر.

مساحت خلیج فارس ۲۳۷۴۷۳ کیلومتر مربع است، طول آن حدود ۹۰۰ کیلومتر و عرض متوسط آن ۲۵۰ کیلومتر است و پس از خلیج مکزیک و خلیج هادسون سومین خلیج بزرگ جهان بشمار می‌آید. خلیج فارس از شرق از طریق تنگه هرمز و دریای عمان به اقیانوس هند و دریای عرب راه دارد و از غرب به دلتای رودخانه اروندرود که حاصل پیوند دو رودخانه دجله و فرات و پیوستن رود کارون به آن است، ختم می‌شود (یحیی پور و همکاران، ۱۳۹۶). هشت کشور در اطراف خلیج فارس قرار دارند. کشورهای ایران، عمان، عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در کناره خلیج فارس هستند. در این میان سواحل شمالی خلیج فارس تماماً در جغرافیای سیاسی ایران قرار دارند. به سبب وجود منابع سرشار نفت و گاز در خلیج فارس و سواحل آن، این آبراهه در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای مهم و راهبردی بشمار می‌آید (یزدان پناه درو، ۱۳۹۷).



نقشه ۲: موقعیت خلیج فارس

منبع: <https://www.tehrantimes.com>

این خلیج توسط تنگه هرمز به دریای عمان و از طریق آن به دریا‌های آزاد مرتبط است. از بین کشورهای همسایه خلیج فارس، کشور ایران دارای بیشترین مرز آبی مشترک با خلیج فارس است. طول مرز آبی کشور ایران با خلیج فارس، با احتساب جزایر در حدود ۱۸۰۰ کیلومتر و بدون احتساب جزایر در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است. بزرگترین عامل اهمیت خلیج فارس وجود معادن سرشار نفت و گاز در کف بستر و سواحل آن است به طوری که این منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهاده اند (هداوند میرزایی، ۱۳۹۶). خلیج فارس مسیر انتقال نفت کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان و امارات متحده عربی است و به همین سبب، منطقه‌ای مهم و راهبردی بشمار می‌آید. در حدود ۳۰ درصد نفت جهان از منطقه خلیج فارس تأمین می‌شود که این مقدار گاهی افزایش و گاهی کاهش می‌یابد. نفت

تولید شده در حوزه خلیج فارس باید از طریق این پهنه آبی و از راه تنگه هرمز به سایر نقاط جهان حمل شود. خلیج فارس از نظر ذخایر نفتی در مقایسه با سایر نقاط جهان دارای مزایای زیادی مانند سهولت استخراج، هزینه پایین تولید، مازاد ظرفیت تولید، کیفیت بالای نفت خام منطقه، سهولت حمل و نقل، توان بالای تولید چاه‌ها و امکان کشف ذخایر جدید نفتی وسیع در منطقه است. طبق آخرین برآوردهای انجام شده حوزه خلیج فارس در حدود ۷۳۰ میلیارد بشکه ذخیره نفت اثبات شده و بیش از ۷۰ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی را در خود جای داده است. همچنین بندرهای مهمی در حاشیه خلیج فارس وجود دارد که از آن‌ها می‌توان بندرعباس، بوشهر، بندرلنگه، کیش، خرمشهر و بندر ماهشهر در ایران و شارجه، دویی و ابوظبی را در امارات متحده عربی و بندر بصره و فاو در عراق را نام برد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۸).

یافته‌ها

در قرن بیستم و بعد از دو جنگ جهانی، نهضت‌های جدایی طلب که مورد حمایت شوروی قرار داشت، در گیلان، کردستان و آذربایجان ظهور کرد. در واقع این جنبش‌ها عمده‌ترین تهدید نسبت به تمامیت ارضی ایران محسوب می شدند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به حوزه دریای خزر به عنوان منبع عظیم انرژی جلب و زمینه برای رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه هموار شد (نامی و همکاران، ۱۳۹۳). ایران پس از شوروی دارای موقعیت ژئوپولیتیکی جدیدی در منطقه دریای خزر شد که موقعیت امنیتی آن را دست‌خوش تحول کرد. ایران از جمله کشورهای منطقه است که بر پایه حضور طبیعی خود در منطقه دریای خزر سهم عمده‌ای را در بازرگانی و ژئوپولیتیک منطقه‌ای این دریا برعهده دارد. موقعیت جغرافیایی ممتاز ایران در منطقه (به عنوان حائلی میان دو انبار انرژی سده حاضر، یعنی خزر و خلیج فارس) که ایالات متحده آمریکا می‌کوشد تا آن را به کنترل خود درآورد، به گونه‌ای عامل مهمی در می‌آید که بر روابط خارجی و منطقه‌ای این کشور اثر می‌گذارد (مشکین فر و همکاران، ۱۳۹۶).

حضور و نفوذ ایالات متحده آمریکا در کنار مرزهای شمالی ایران، خود به خود یک عامل منفی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. مجموعه فعالیت‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در حوزه خزر از جمله مهم‌ترین آنها، یعنی تلاش جهت انزوای ژئوپولیتیکی ایران و عبور لوله‌های نفت و گاز از محور شرق به غرب و حضور مستقیم نظامی در حوزه خزر که برای رسیدن به این هدف ایالات متحده آمریکا با جمهوری‌های تازه استقلال یافته همکاری گسترده دارد. تهدیدات امنیتی زیر را برای ایران به دنبال خواهد داشت:

۱- گسترش ژئوپولیتیکی آسیای مرکزی و قفقاز به سوی محور شرق به غرب و کاهش ارزش ژئوپولیتیکی ایران، زیرا با توجه به مبانی و اصول ژئوپولیتیک می‌تواند موجب قدرتمندی دولتها شود و به آنان امکان دهد تا نقش اساسی و بارز در صحنه سیاسی جهان بازی کنند (مرادی نیا و همکاران، ۱۳۹۸).

۲- تسلط ایالات متحده آمریکا بر منابع نفت و گاز حوزه خزر، وابستگی آن کشور به اوپک و جمهوری اسلامی ایران را کاهش خواهد داد.

۳- با عدم عبور لوله‌های نفت و گاز از سرزمین ارزان، کوتاه و امن ایران، دستاوردهای زیر محو یا تقلیل خواهد یافت:

الف. اتفاق نظر بیشتر و حل و فصل منازعات

ب. محدود شدن نفوذ طرفهای سوم

ج. کاهش هزینه‌های نظامی و به کارگیری آن هزینه‌ها برای توسعه پایدار

د. همکاریهای زیست محیطی و حفظ اکوسیستم دریای خزر

ه- تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و حل مشکلات مرزی (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵).

۴- نادیده گرفتن ملاحظات اقتصادی و زیست محیطی و عبور لوله‌های نفت و گاز از کف دریای خزر فاجعه بار خواهد بود. مهم‌ترین زیان‌های زیست محیطی آلودگی نفتی دریای خزر به شرح ذیل است:

الف. افزایش بیماری‌های خونی، سرطان، سل و انواع حساسیت‌ها در شهرهای ساحلی

ب. نابودی آبزیان دریایی

ج. ایجاد اختلاف بین کشورهای ساحلی برای اختصاص بودجه و مسئولیت پذیری جهت مهار فاجعه زیست محیطی.

۵- حضور ایالات متحده آمریکا در حوزه دریای خزر زمینه را برای حضور شرکتهای تجاری وابسته به اسرائیل نیز در منطقه فراهم می‌سازد که می‌تواند در پوشش این شرکت‌ها امنیت ملی ایران را نیز تهدید کند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۴).

۶- حضور و ورود شرکت‌های آمریکایی و متحدین آن‌ها از جمله ترکیه و اسرائیل، فرهنگ مصرف گرایی و غربی را در کنار مرزهای مشترک ما رونق خواهد بخشید که خود تهدیدی برای ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی است.

۷- با توجه به حضور قومیت‌های مختلف در دو سوی مرزهای شمال جمهوری اسلامی ایران، حضور ایالات متحده آمریکا می‌تواند تهدیدی بالقوه برای بروز و ظهور بحران‌های قومیتی باشد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷).

در حالیکه ایالات متحده توانسته است در خلیج فارس حضور چشمگیری پیدا کند، می‌کوشد پای ناتو را به دریای خزر بکشد و دست شرکت‌های نفتی و گازی آمریکایی را در اکتشاف و استخراج و صدور منابع کمیاب انرژی باز نگاه دارد و از این راه ادعای داشتن منافع واقعی در منطقه را مطرح نماید. در واقع ایالات متحده آمریکا با حضور در منطقه حساس و استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز، در قالب ناتو با قراردادهای اقتصادی و سیاسی، قصد دارد بر این منطقه غنی مسلط شود و علاوه بر بهره‌گیری اقتصادی همزمان ایران، روسیه و چین را مهار کند. حضور ناوهای جنگی ایالات متحده آمریکا و ناتو در دریای خزر به بهانه‌های گوناگون از جمله حراست از لوله‌های نفت و گاز به طور مستقیم امنیت ملی ما را با خطر مواجه خواهد کرد (کردوانی و همکاران، ۱۳۹۵).

تولد کشورهای جدید در مرزهای شمالی ایران، این کشور را قادر ساخته تا هدف خود را در زمینه بازگشت به جامعه بین‌المللی تعقیب و همکاری منطقه‌ای در جهت مقابله با سلطه آمریکا را ترغیب و نیز موقعیت خویش را به عنوان قدرت منطقه‌ای تثبیت نماید. تهدیدهای قومی در مرزهای شمال ایران نیز در قالب تحولات جدید، پتانسیل ایجاد تغییرات ژئوپولیتیک را دارند. تحرکات قومی این حوزه که به لحاظ تاریخی در پیوند با ملیت ترک کشور آذربایجان فعال شده است در قالب طرح خاورمیانه بزرگ فضای مناسب تری برای رشد دارد. در طرح خاورمیانه بزرگ اهمیت آسیای مرکزی از هر دو بعد ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک در پیوند با ماهیت دولت‌های

خاورمیانه معنا می‌یابد. از جنبه ژئواکونومیک کشورهای آسیای میانه پل ارتباطی انرژی خاورمیانه با دول غرب هستند. از جنبه ژئواستراتژیک اهداف امنیتی نظام بین الملل جدید معطوف به حساس کردن مسائل مشترک با دولت های همجوار خاورمیانه است. در این مورد به طور خاص همجواری ایران با آذربایجان و حساس کردن مسائل قومی آن مورد نظر است. در نگرش جدید، آذربایجان به عنوان پایگاه امنیتی قدرتهای بزرگ قادر است با تحریک مسائل قومی در مرزهای مشترک خود با ایران، این کشور را در معرض تهدیدهای ژئوپلیتیکی قرار دهد. هر چند تصور تغییرات مرزی در این حوزه مانند دو حوزه دیگر حداقل در کوتاه مدت دور از ذهن است با این وجود تهدید به تغییرات مرزی و زنده نگه داشتن پتانسیل شورش‌های قومی به نوعی اقدامی تامینی در برابر ایران محسوب می‌شود (قصاب زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

جمهوری اسلامی ایران بایستی این اصل مهم را در استراتژی ژئوپولیتیکی خود در مرزهای شمالی دنبال نماید که اگر منطقه نیاز به امنیت و ثبات دارد، این امنیت باید فراگیر بوده و برای تمامی کشورهای منطقه مطرح باشد. این امر که امنیت در محدوده ای برقرار شود تا قدرتهای پیرامونی و مداخله گر در سایه برقراری ثبات بتوانند به سرمایه گذاری و استحصال منابع معدنی اقدام نمایند، نبایستی از طرف جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شود. امنیت برای تمامی کشورهای منطقه بایستی تضمین کننده سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی باشد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶).

وضعیت ژئوپولیتیک جنوب کشور

خوزستان جلگه ای صاف و تقریباً بی عارضه است که در پشت سد کوهستانی جنوب غربی یعنی ارتفاعات کهکیلویه و بختیاری قرار گرفته و فقط یک رشته ارتفاع که بلندی آن از ۱۲۰ متر تجاوز نمی‌کند در وسط جلگه قرار دارد که یگانه محل مرتفع در این محدوده است. منطقه خوزستان با عراق ۶۳۰ کیلومتر مرز مشترک دارد که از این مقدار ۴۲۰ کیلومتر مرز زمینی و ۲۱۰ کیلومتر مرز دریایی است. خلیج فارس تنها دریای آزادی است که ایران را با دنیا از راه آب مربوط می‌سازد و سرتاسر سواحل شمالی آن در قلمرو کشور ایران است، از این لحاظ شناسایی کامل آن برای ما کمال اهمیت را دارد (فیروزی، ۱۳۹۵).

موقعیت خلیج فارس به نحوی است که در کلیه استراتژی‌های غرب و شرق به نحوی این آبراه بزرگ دریایی خودنمایی می‌کند، پس شناخت آن و بهره برداری صحیح از امکانات نظامی و اقتصادی آن رابطه مستقیمی با ثبات سیاسی و امنیت کشور ما دارد. خلیج فارس دریای کم عمقی است که در حاشیه غربی اقیانوس هند واقع شده و بین شبه جزیره عربستان و جنوب ایران قرار دارد. مساحت آن حدود ۲۳۹۰۰۰ کیلومتر مربع است، طول آن از دهانه اروند رود تا تنگه هرمز که به دریای عمان می‌پیوندد قریب ۱۳۷۵ کیلومتر و عرض آن بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیر است. عمیق ترین محل در قسمت جنوبی تنگه هرمز نزدیک رأس المسندم ۱۸۲ متر است، عمق متوسط خلیج فارس ۲۵ متر است (فلاح تبار، ۱۳۹۶).

اهمیت استراتژیکی خلیج فارس

خلیج فارس از نظر استراتژیکی دارای موقعیت ممتاز و اهمیت فوق العاده ای بوده و هست و به علت واقع شدن در مسیر راههای دریایی هند و دریای سرخ و اتصال آبهای آن به سواحل ایران و بین النهرین و عربستان از دورترین ازمنه تاریخ مورد توجه و محل آمد و رفت ملل دریانورد و تجارت پیشه شرق و غرب دنیا بوده است. از اوایل قرن

بیستم به لحاظ کشف و استخراج منابع نفت در سکوی قاره و سرزمینهای مجاور آن علاوه بر نقشی که از لحاظ نظامی داشت در استراتژی انرژی جهان نیز نقشی تعیین کننده پیدا کرد. پیوستگی خلیج فارس و دریای عمان و پیشرفت تکنولوژی و تغییر استراتژی‌ها موجب گردید که این دو گذرگاه آبی در حکم یک منطقه عملیاتی وارد استراتژیها شود و بدون حفظ امنیت خلیج فارس و دریای عمان امکان اجرای استراتژیهای بری و بحری به هر شکل غیر ممکن گردد. کشور ایران با داشتن حداکثر طول سواحل در این دو آب، نقش شاهین ترازو را در برقراری ثبات سیاسی و امنیت منطقه دارد (فراهانی و پیشگاهی فرد، ۱۳۹۳).

اگر ما مرزهای خشکی و آبی خود را با هم مقایسه کنیم و نقش مرزهای آبی جنوب را در ثبات مرزهای خشکی بررسی نماییم، متوجه خواهیم شد که در برآورد و تامین قدرت دریایی کوتاهی‌های زیادی شده و این همه ناشی از یک طرز تفکر غلط دیکته شده از طرف سردمداران قدرتهای بحری جهان امروز و دیروز بوده است. امروزه چنین طرز تفکری دیگر نباید برای ما ایجاد شود، زیرا تکرار آن موجودیت ما را به خطر خواهد انداخت. وجود یک قدرت دریایی هماهنگ و متاثر از قدرتهای دریایی دنیا، هم ثبات سیاسی ما را تضمین می کند و هم ما را به سوی یک توسعه اقتصادی واقعی رهنمون می سازد (غلامرضایی و حسن آبادی، ۱۳۹۶).

خلیج فارس از دیدگاه ایالات متحده

توجه شدید و فزاینده آمریکا به منطقه خلیج فارس که در سیاست خارجی این کشور منعکس است به عوامل زیر مربوط می شود:

جنبه اقتصادی: ایالات متحده آمریکا نفت خلیج فارس را به عنوان یکی از بزرگترین منابع عمده انرژی جهانی که در چرخاندن محور صنعت و حیات اقتصادی آمریکا و اردوگاه غرب به خصوص کشورهای عضو پیمان ناتو تاثیر بسزایی دارد به حساب می آورد. ایجاد وقفه در ادامه جریان این منبع پر بهای انرژی به سوی غرب باعث می شود تا در فروپاشی جهان سرمایه غرب تسریع شود.

جنبه استراتژیک: بر طبق نظریه برژینسکی (مشاور امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر در سالهای ۸۰ - ۱۹۷۶) ایالات متحده آمریکا منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان را سومین خط دفاعی استراتژیک که در معادلات نظامی دارای اهمیت دفاعی و حیاتی است به حساب می آورد. اهمیت این خط دفاعی به ترتیب پس از خطوط ذیل می آید:

۱- خط دفاعی دوم که شامل قاره اروپاست.

۲- خط دفاعی اول که عبارت از خود ایالات متحده آمریکاست (عزتی و همکاران، ۱۳۹۳).

فروش اسلحه: اهمیت خلیج فارس در جنبه‌های اقتصادی یا نظامی استراتژیک منحصر نیست، بلکه بازاری است با دروازه‌های باز در قبال انواع صنایع سنگین و سبک نظامی آمریکا، زیرا میزان هزینه‌های نظامی این کشور درصد بالایی از تولید ناخالص ملی و بودجه عمومی را به خود اختصاص داده است.

کارتر در سال ۱۹۷۹ دکترین خود را در رابطه با خلیج فارس چنین ارائه داد و هیئت حاکمه آن کشور نیز بر مبنای این تئوری دست به اقداماتی زد که اهم آنها عبارتند از:

۱- تشکیل نیروی مداخله گر سریع برای مداخله نظامی به هنگام روبرو شدن منافع آمریکا با تهدید و خطر.

۲- برپایی شبکه ای از پایگاههای نظامی کمربندی شکل.

۳- استفاده از سیستم خبردهی سریع به منظور آسان سازی عکس العمل سریع و گسترده نیروهای نظامی آمریکا در زمان دلخواه در منطقه (عزتی و نامی، ۱۳۹۱).

عمده ترین دلیل اهمیت خلیج فارس برای کشورهای غربی، به وجود ذخایر عظیم گازی و نفتی در این منطقه باز می گردد. خلیج فارس دارنده بیش از ۶۰ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان است و ۳۰ درصد تجارت جهانی نفت را در اختیار دارد. خط ساحلی ایران در صدور این انرژی ها نقش حیاتی بازی می کند؛ زیرا تانکرها و نفت کش ها از مسیرهایی عبور می کنند که بسیار نزدیک به خاک ایران، جزایر تحت کنترل و پایگاههای نیروی دریایی اش در خلیج فارس است.

ایران حدود ۱۴۰ گارد ساحلی و قایق گشت زنی شامل ۱۱ قایق گشت زنی موشکی کمان کلاس ساخت فرانسه با ۲ تا ۴ موشک ضد ناو دارد. اینها موشک‌هایی با سوخت جامد، کم ارتفاع با بردی ۴۲ تا ۵۲ کیلومتری و کلاهک‌های ۱۶۵ کیلوگرمی هستند که قابلیت گریز از رادار همانند موشک‌های آگروسه را دارند و می توانند به هنگام جنگ کشتی‌های غیر نظامی، نفت کش‌ها و تاسیسات نزدیک به ساحل آسیب برسانند (عزتی و حسنی، ۱۳۹۳).

با توجه به باریکی آبراه خلیج فارس بخصوص در تنگه هرمز که ۳۴ کیلومتر (۲۲ مایل) بیشتر نیست موشک های نور و کوثر قادر به رسیدن به هر هدفی در هر نقطه از آب‌های خلیج فارس خواهند بود. موشک کوثر گفته می‌شود قابلیت فرار از رادار و موشک‌های ضد موشک را دارد و هیچ کشتی جنگی نمی‌تواند آن را بیابد. امروزه با وجود منابع قابل توجه انرژی در بستر خلیج فارس و احتمال کشف منابع جدید، تحدید حدود مرزهای دریایی به یک امر ژئوپولیتیکی تبدیل شده است. علاوه بر منابع انرژی، میزان دسترسی به آب های آزاد برای کشوری چون عراق بسیار حیاتی می‌باشد، به طوری که حکام بعثی ساقط شده این کشور برای رهایی از این جغرافیای سیاسی مشکل، دست به دو جنگ خونین و تلخ زدند. تعلق بیش از نیمی از خلیج فارس به کشور ایران از یک سو، ضرورت حفظ منافع ملی این کشور در حوزه‌های مشترکی که در آینده در خلیج فارس کشف خواهند شد (عربگری و لطفی، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، افزاز دریایی ایران با سه کشور عراق، کویت و امارات متحده عربی را ضروری می‌سازد. علاوه بر آن ضرورت های سیاسی، امنیتی و بین المللی انجام چنین مهمی را الزامی می‌کند. حل منازعات جغرافیایی و ژئوپولیتیکی نه تنها بستر لازم را برای همگرایی منطقه ای در خلیج فارس فراهم می‌آورد، بلکه زمینه دخالت قدرت‌های دیگر را نیز از بین می‌برد. از جهتی چنین اقداماتی باعث می‌شود تا چالش های اساسی در مقابل شکل گیری ساختار امنیتی منطقه ای با تاکید بر عناصر بومی تا حد زیادی از بین بروند که در این صورت یکی از آمال دیرین ساکنین منطقه که همانا شکل گیری نظام و رژیم امنیتی مبتنی بر عناصر و لوازم بومی منطقه ای است، برآورده خواهد شد (عالیفرجا و همکاران، ۱۳۹۸).

این منطقه به دلایلی از جمله انرژی، گذرگاههای آبی و استراتژیک، وجود رژیم صهیونیستی و امنیت آن برای قدرتهای بزرگ، بازار مصرف منطقه و... از اهمیت زیادی در معادلات جهانی برخوردار می‌باشد. این ویژگی‌ها در دو سده ۲۰ و ۲۱ اهمیت داشته و دارد ولی چیزی که اهمیت این منطقه را در قرن حاضر افزایش داده است، وجود منابع انرژی و اهمیت آن در معادلات قدرت در سطح جهان است. درس‌آغاز هزاره سوم، خاورمیانه همچنان بین‌المللی

ترین منطقه دنیا بوده و مسائل این منطقه محل تداخل منافع بازیگران خارجی است و این تداخل با ساخت قدرت در درون کشورهای منطقه در ارتباط می‌باشد. همچنین هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه در تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و پیوند آن با رفتارهای سیاسی اهمیت نداشته و باید علت این امر را از اهمیت نقش خاورمیانه در رفتار منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ و همچنین میزان تنش‌های منطقه‌ای جستجو کرد (عاشوری و مرتضایی، ۱۳۹۷). علیهذا قبل از بحث و بررسی درخصوص مقوله موقعیت جغرافیایی سرزمین ایران در خاورمیانه، ضروری است در ابتدا به اصطلاح و مفهوم خاورمیانه و پیشینه تاریخی آن، به طور مختصر اشاره‌ای شود:

به نظر برنارد لوئیس، اصطلاح خاورمیانه را نخستین بار یک مورخ وابسته به نیروی دریایی آمریکا به نام «ماهان» در اشاره به منطقه‌ای میان عربستان و هند یعنی خلیج فارس مورد استفاده قرار داد که البته مناسب و ویژه‌ای برای استراتژی دریایی داشت (در جنگ جهانی اول، فرماندهی نیروهای بریتانیا در منطقه با عنوان فرماندهی خاورمیانه منصوب گردید) از آن زمان به بعد این واژه به تدریج متعارف شد و گاه مترادف با اصطلاح خاور نزدیک به مفهوم ناحیه‌ای از شمال آفریقا به آن سو، به جز شبه قاره هند بکار رفته است. با این وجود اصطلاح خاورمیانه هنگامی شیوع، شهرت و اعتبار خاصی پیدا کرد که در ۲۲ مارس سال ۱۹۱۱، لرد کرزن در مجلس اعیان انگلستان و در ارتباط با مساله احداث خطوط راه آهن ضمن بحث درباره چگونگی اوضاع ایران، خلیج فارس و ترکیه در آسیا، از واژه خاورمیانه استفاده کرد؛ اما به رغم استعمال گسترده اصطلاح مذکور در عصر حاضر، هم اکنون هیچگونه اجماع و تعریف واحدی در مورد مرزهای جغرافیایی و سیاسی خاورمیانه وجود ندارد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۷). جغرافی دانان، مورخان، روزنامه نگاران و دیوان سالاران همگی از این اصطلاح استفاده می‌کنند، اما هنوز تعاریف متفاوتی از آنچه که منظورشان است در ذهن دارند. از نظرگاه تحقیق حاضر، خاورمیانه منطقه‌ای جغرافیایی است که کشور لیبی در غرب تا پاکستان و افغانستان در شرق گسترده و شمال آن به دریای مدیترانه و دریای سیاه و جنوب آن به اقیانوس هند شمالی و دریای عرب منتهی می‌گردد. منطقه مزبور به طور عمده عرب نشین بوده و بازیگران منطقه‌ای غیر عرب نظیر ایران، ترکیه، اسرائیل، پاکستان و افغانستان نیز در آن حضور دارند (شعبانی، ۱۳۹۸).

منظومه خاورمیانه از گذشته‌های دور پراهمیت بوده و دسترسی به ذخایر دانه‌ای خاورمیانه، استراتژی امپراطوری‌های آتن، روم و بیزانس را تحت تأثیر خود قرار داده، به طوریکه درختان سرو لبنان برای کاخها و معابد آنها الوار فراهم می‌آورد. این اهمیت در دوران قرون وسطی و جنگهای صلیبی و نیز در هنگامه احیای اقتصادی اروپا کماکان برقرار بود. در این اعصار، افزایش تقاضای اروپا برای ابریشم و ادویه جات شرق، انگیزه‌ای شد برای احداث راههای زمینی و ترانزیت دریایی بسیار سودآور از آسیا به خاورمیانه و از آنجا به بازارهای ساحلی مدیترانه؛ اما در این اواخر، دسترسی به نفت خاورمیانه امتیازی بوده که تأثیر ژرفی بر برنامه‌ریزی استراتژیک و فزونی قدرت دولتهای بزرگ بر جای گذاشته است (شریعت پناهی و همکاران، ۱۳۹۶). در ده الی پانزده سال آینده نیز جریان نفت و گاز طبیعی از دو منبع غنی فسیلی خاورمیانه (خلیج فارس و دریای خزر) عناصر کلیدی یک معادله جدید ژئوپلیتیک خواهد بود که عواقب مهمی خاصه برای غرب، روسیه، آسیا و نیز کشورهای خاورمیانه به دنبال خواهد داشت. در نگاه اول موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی این منطقه چشم‌ها را خیره می‌کند چرا که خاورمیانه به عنوان پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا مطرح است و از این نظر همچنان که سوابق تاریخی نیز حکایت می‌کند، اهمیت ویژه‌ای

دارد (شریعت پناهی و همکاران، ۱۳۹۳). اگر از چشم‌اندازی دیگر و با نگاه اروپایی - آسیایی (اوراسیایی) به خاورمیانه بنگریم، مشاهده می‌کنیم که خاورمیانه نقش قلب قاره بهم پیوسته اوراسیا را ایفا کرده و به عنوان پیوند دهنده قاره‌های آسیا و اروپا شناخته می‌شود. همچنین در چارچوب جغرافیایی، وجود آبراه‌های مهم و حتی استراتژیکی چون کانال سوئز، تنگه‌های هرمز، بسفر، داردانل، باب‌المندب، خلیج فارس، خلیج عدن، دریا‌های مدیترانه، عمان، سیاه، سرخ، عرب، مرمره و بالاخره دریاچه خزر، به لحاظ ژئواستراتژیکی، ژئوپلیتیکی، حمل و نقل و ارتباطات تجاری اهمیت زایدالوصفی به منطقه خاورمیانه بخشیده است. در همین رابطه، شایان ذکر است که عمده ترانزیت هوایی بین‌المللی میان اروپا و هند، آسیای جنوب شرقی، خاور دور و استرالیا از طریق شاهراه خاورمیانه صورت می‌گیرد. همچنین به جای راه‌های کاروان رو قدیمی، جاده‌ها و خطوط راه‌آهن در منطقه مزبور احداث شده که در همه فصول سال قابل استفاده بوده و مقدار قابل توجهی از حمل و نقل بین‌المللی از این طریق انجام می‌گیرد. با این وصف، بی‌دلیل نیست که افرادی چون کرسی، واژه «چهارراه» را عنوان کتابی برگزیده‌اند که در باب خاورمیانه نگاشته‌اند (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۸).

کشور ایران با قرار گرفتن در جنوب غربی آسیا، دارای یک موقعیت ممتاز ژئواستراتژیک برای تأمین انرژی دیگر کشورها، به طور شاخصی در کانون توجه جهانی قرار گرفته و نقش ویژه‌ای به ظرفیت موجود ایران جهت تأمین انرژی کشورهای مختلف بخشیده است. به دلیل برخورداری از پتانسیل‌هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، منابع فراوان گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریا‌های آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای یک جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز کشورهای آسیایی در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه است. با استفاده از این متغیرها می‌تواند تبدیل به قدرت برتر منطقه‌ای شود. از سویی دیگر ایران با توجه به موقعیت ترانزیتی خود که ناشی از برتری‌های ژئوپلیتیکی، یعنی قرارگیری در چهارراه بین‌المللی، حائز اهمیت است. این چهار راه آفریقا را به آسیا و آسیا را به اروپا متصل می‌کند. افزون بر این ایران با آب‌های آزاد مرتبط است و دارای موقعیتی است که دسترسی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به آب‌های آزاد میسر می‌کند و قادر است در مقولاتی مانند سوآپ یا انتقال نفت و گاز، سوخت تولیدکنندگان آسیای مرکزی برای کشورهای نظیر افغانستان و پاکستان نقش مهمی را به عهده بگیرد (زینتی و همکاران، ۱۳۹۸).

ایران به عنوان مهمترین کشور حوزه خلیج فارس و به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم انرژی منطقه‌ای شناخته می‌شود. بنابراین می‌توان چنین استدلال نمود که ایران علاوه بر اعتبار ژئوپلیتیکی دارای ارزش و قابلیت‌های منحصر به فردی در زمینه ژئواکونومی نیز می‌باشد. از جمله این قابلیت‌ها می‌توان به قرارگیری ایران در کنار خلیج فارس، که هارتلند انرژی فسیلی جهان است اشاره نمود. در شمال نیز دریای خزر وجود دارد که اولویت دوم انرژی جهان به شمار می‌رود. بنابراین پیوند ژئوپلیتیک و ژئواکونومی ایران در دریای خزر و آسیای مرکزی با موقعیت آن در خلیج فارس که کنترل بیش از نیمی از این منطقه را در دست دارد و عامل بزرگی است که منابع و نقش آفرینی ایران را در آسیا و اروپا گسترش می‌دهد و هر گونه تلاش کشورهای دیگر برای نادیده گرفتن این مقام ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی ایران و اعمال فشار بر این کشور در خلیج فارس و اخیراً در خزر موجب واکنش منفی دیگر کشورهای رو به رشد خواهد شد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶).

از دیگر قابلیت‌های ژئواکونومی ایران می‌توان به نیاز روزافزون کشورهای در حال توسعه شرق آسیا اشاره نمود. ایران تنها کشوری است که با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و همچنین منابع انرژی فراوانش می‌تواند پاسخگوی نیاز این کشورها باشد. این کشورها در باطن تلاش می‌کنند که خود را از سلطه تصمیم‌گیری آمریکا خارج نمایند بدین جهت مایلند با تنها کشوری که در حوزه خزر و خلیج فارس سیاست مستقلی از آمریکا دارد رابطه نزدیک برقرار سازند (حیدری صوفیانی و همکاران، ۱۳۹۷).

در این میان کشور چین با توجه به رشد دو رقیب اقتصادی‌اش تکاپوی زیادی برای توسعه مشارکت‌های خود در انرژی با کشورهای دیگر دارد که ایران یکی از این کشورهاست. ایران در حال حاضر مرکز ثقل مهمی در ساختار امنیت انرژی چین محسوب می‌شود و در ابتدای سال ۲۰۰۵ در رتبه سوم کشورهای صادرکننده نفت به چین بوده. ایران در ابتدا تنها ۱۴ درصد از نیازهای وارداتی نفت چین را تأمین می‌کرد اما بعد از امضای یکسری توافقنامه‌هایی در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی، به یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت به چین مبدل شد. از آنجا که چین و اروپا خواهان چند قطبی شدن جهان در قرن بیست و یکم می‌باشند و خود را به عنوان یکی از قطب‌های قدرت در صحنه روابط بین‌الملل قلمداد می‌نمایند لذا تلاش می‌کنند به عناصر قدرت بویژه عناصر اقتصادی توسعه یافته که جوهره آن عرضه آرام و بی‌دغدغه انرژی است، دست یابند (حسینی احمدی و همکاران، ۱۳۹۸). از آنجا که چین و اروپا در قرن بیست و یکم رقیب آمریکا به شمار خواهند رفت، عقلانی است به دنبال راهکارهایی باشند تا بدان طریق عرضه سالم و بی‌دغدغه انرژی را برای خود تضمین نمایند. لذا ایران با توجه به موقعیت خاص و منحصر به فردش می‌تواند بهترین گزینه این کشورها برای تأمین انرژی باشد. از آنجا که خلیج فارس به طور سنتی کانون سیاسی - امنیتی و همچنین محور اصلی فعالیت‌های اقتصادی ایران بوده و با پیروزی انقلاب و بر اثر کوشش‌های ایالات متحده و نظر مساعد کشورهای حوزه خلیج فارس، دامنه نفوذش کمتر شده، نگاه به شمال به مثابه یک جهت‌گیری راهبردی یا به عبارتی جایگزین ساختن خزر، آسیای مرکزی و قفقاز، شکل گرفته و به ایران این امکان را می‌دهد تا ضمن جبران ناکامی خود در حوزه خلیج فارس از سیاست یکجانبه‌گرایی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جلوگیری کرده و راهبرد سلطه‌جویانه آن را با شکست مواجه سازد؛ اما علی‌رغم این مسائل نقش محوری ایران با توجه به جایگاه ژئواکونومیک آن در توسعه مشارکت منطقه‌ای دچار چالش گردیده و تبدیل این جایگاه استثنایی ژئواکونومیکی به قدرت سیاسی که بتواند جایگاه ایران را در سطح بین‌المللی ارتقا دهد در وهله اول نخست نیازمند مطالعه دقیق در مورد امکانات اقتصادی کشور اعم از بالقوه و بالفعل و سرمایه‌گذاری در منطقه است و دیگر اینکه ایران باید در سیاست خارجی خود این مسئله را مورد توجه قرار دهد. یکی از راههای انتقال این منابع به آب‌های آزاد، ایران است که کوتاهترین، ارزانترین و امن‌ترین راه می‌باشد (پویا، ۱۳۹۸). از سوی دیگر عبور لوله‌های نفت و گاز بر امنیت ملی ایران تأثیر مثبت خواهد داشت. علاوه بر این مطالب باید گفت موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای است که با عبور لوله‌های نفت و گاز از خاک ایران، منجر به گسترده‌تر شدن همکاری‌های ژئواکونومیک این کشور با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز باشد که همکاری‌های بخش انرژی، همکاری‌های اقتصادی را به دنبال دارد که نهایتاً منجر به یکپارچگی ژئوپلیتیکی ایران با حوزه خزر خواهد شد.

همچنین تأکید بر همکاری‌های انرژی، اقتصادی و هماهنگی‌های وسیع سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز اعتمادسازی‌های عمیق در منطقه گردد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

عوامل جغرافیایی یکی از محدودیت‌های اصلی و اساسی در گزینش و انتخاب نوع سیاست‌های بین‌المللی است. توجه به مبانی و اصول ژئوپلیتیک می‌تواند موجب قدرتمندی دولتها گردد و به آنان امکان دهد تا نقش اساسی و بارزی در صحنه سیاسی جهان بازی کنند. به نظر «ژان گاتمن» اگر زمین مانند یک توپ بیلارد صاف و صیقلی بود، در آن صورت هیچ توجیهی برای چنین مطالعه و بررسی وجود نداشت و اصولاً مطالعه ژئوپلیتیک نمی‌توانست کارساز باشد، در طول تاریخ تفکرات ژئوپلیتیکی دچار تغییرات و نوسانات شدیدی گردیده است، در ابتدا قدرت هر کشور را در روابط سیاسی بین‌المللی، بشدت تحت تاثیر عوامل محیط جغرافیایی آن می‌دانستند اما بعدها به مرور نقش انسانها در پیدایش قدرت سیاسی با اهمیت‌تر از محیط جغرافیایی ارزیابی گردید و برای داده‌های طبیعی اهمیتی محدود قایل شدند.

این یکی از تحولات ژئوپلیتیکی عصر معاصر است که با تفکرات ژئوپلیتیکی در قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم تفاوت فاحش دارد. تاثیر اهمیت استراتژیک ایران و قرار داشتن این سرزمین در ریملند را می‌توان در کلیه وقایع تاریخی جنگ جهانی دوم بخوبی مشاهده کرد. آلمانی‌ها تبلیغات وسیعی در مورد مشترک بودن نژاد آریایی دو ملت ایران و آلمان و مشابهت هدف‌های ملی دو کشور و مبارزه با کمونیسم و امپریالیسم آغاز کرده و محبوبیت زیادی بین ایرانیان به دست آورده بودند. دولت ایتالیا هم که متحد آلمان بود کمک‌های فراوانی در به وجود آوردن نیروی دریایی ایران و تحویل فوری کشتی‌های جنگی و آموزش دریانوردی به افسران جوان ایرانی و اعزام مستشاران نظامی نیروی دریایی کرد. در همان دوران جنگ جهانی دوم، انگلیسی‌ها به دلیل تسلط بر آبهای خلیج فارس توانستند جلوی ورود وسایل فنی کارخانه ذوب آهن ایران را که از بندر هامبورگ حمل شده بود بگیرند و آنها را توقیف کنند. دولت آلمان به روسیه شوروی که هنوز وارد جنگ نشده بود پیشنهاد کرد که اجازه دهد مراودات تجاری و حمل و نقل کالا بین ایران و آلمان از طریق خاک روسیه صورت گیرد. در اوت سال ۱۹۴۱، اولتیماتوم دولت‌های شوروی و انگلستان مبنی بر خروج کلیه اتباع آلمانی از ایران و خاتمه دادن به فعالیت جاسوسان آلمانی، ایران را سخت تحت فشار قرار داد و درست یازده روز بعد از انتشار منشور آتلانتیک که طی آن چرچیل و روزولت آزادی و استقلال و حق تعیین سرنوشت را برای همه ملت‌های جهان به رسمیت شناخته بودند، کشور بی‌طرف ایران از شمال و جنوب مورد تجاوز قرار گرفت و دولت‌های شوروی و انگلستان با نیروی نظامی به خاک ایران تجاوز کردند. از نظر جغرافیایی و بویژه جغرافیای سیاسی در میان عوامل جغرافیایی که در ضعف یا قدرت یک کشور موثرند عناصر زیر بسیار تعیین‌کننده است.

۱- آب و هوا، اقلیم و منابع طبیعی، ۲- نوع زمین، ۳- وسعت خاک ۴- موقعیت سرزمینی.

موقعیت جغرافیایی کشور ایران همواره تاریخ گذشته آن را تحت الشعاع قرار داده است و این موقعیت در آینده هم سرنوشت‌ساز خواهد بود. ایران با دارا بودن ۱/۶۴۸/۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت از تنوع آب و هوایی چشمگیر و منابع طبیعی سرشار و اراضی گوناگون با موقعیت سرزمینی ویژه برخوردار است. در طراحی مسائل استراتژیک و تاکتیکی

توجه به بادهای موسمی، باران، برف، درجه حرارت در مناطق و فصول گوناگون کشور و نیز در کشورها و مناطق همجوار از عوامل با اهمیت و قابل توجه شناخته می‌شود. موقعیت‌های سرزمینی، ارتفاعات و جلگه‌ها و پستی‌ها و... همگی در کاربرد سلاح‌های گوناگون، دستگاه‌های ردیابی، رادار، گیرنده و فرستنده موثر است. به عقیده برخی از پژوهشگران و تحلیلگران سیاسی سرنوشت تاسیسات و سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشر در گرو یک سلسله عوامل طبیعی ثابت و متغیر است که همه آنها از جبر جغرافیایی ریشه می‌گیرند. این عوامل جغرافیایی عبارت‌اند از:

- ۱- عوامل ثابت مانند فضا، سرزمین، قلمرو، وسعت خاک و عوارض طبیعی
 - ۲- عوامل متغیر مانند جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی
- هر نوع تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی باید در چارچوب عوامل ثابت و متغیر یاد شده صورت گیرد، هرچند با پیشرفت صنعت و صنایع نظامی و اختراع جنگ‌افزارهای اتمی محدودیت‌های عوامل ثابت مسافت، منابع طبیعی، اقیانوس‌ها، کوه‌ها، دریاها، نمی‌تواند مانع جدی برای کاربرد این قبیل تسلیحات باشد اما با توجه به اینکه هنوز کشورهای زیادی فاقد این قبیل تسلیحات هستند و این سلاح‌ها عمدتاً نقش بازدارندگی دارند، لذا عوامل یاد شده از قوت و نفوذ خود کماکان برخوردار هستند. جایگاه جغرافیایی ایران، قراردادش در کنار ساحل خلیج فارس و دریای عمان از یک سو و در مجاورت اتحاد جماهیر شوروی سابق از سوی دیگر و دارا بودن منابع غنی نفتی و منابع کانی گوناگون و تنوع آب و هوایی، موقعیت ممتازی را از نظر ژئوپلیتیک برای این کشور فراهم آورده و قدرت خاصی به این کشور بخشیده که از دید قدرت‌های جهانی نیز مخفی نمانده است. ارزش ژئوپلیتیکی ایران به حدی است که هرگونه تغییری در حاکمیت آن می‌توانسته است موازنه منطقه‌یی و جهانی را برهم زند. در دوران قبل از سال ۱۹۱۷ میلادی یا دوره حاکمیت تقریباً بلامنازع بریتانیا بر خلیج فارس و تنگه هرمز، رقابتی بین آن کشور و دولت‌های روسیه، آلمان و فرانسه وجود داشت. پس از آن دوره و جایگزینی دولت جوان و پر قدرت امریکا در منطقه، تلاش برای حفظ نفوذ و کنترل بیگانگان بر خلیج فارس و منطقه ادامه یافت. دلایل این علاقه‌مندی نه تنها برای امریکا بلکه برای اتحاد جماهیر شوروی، ژاپن و کشورهای اروپایی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱- حجم زیاد ذخایر نفتی و گازی شناخته شده در این منطقه.
- ۲- ثروت ناشی از صادرات نفت و گاز در کشورهای منطقه خلیج فارس و بازار مناسب صادرات کالاهای جهانی به این کشورها.
- ۳- موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و قراردادش آن در مرکز یا محل تلاقی و پیوند بخش شرقی و غربی، شمالی و جنوبی ریملند.

در دوران جنگ سرد منطقه خلیج فارس و کشور ایران به دلایل یاد شده از موقعیت کاملاً استراتژیک و ارزش والای ژئوپلیتیکی برخوردار بود. به همین دلیل از یک سو روس‌ها طالب دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس و تنگه هرمز بودند و از سوی دیگر رقیب سرسخت آن‌ها یعنی امریکا که در دوران جنگ جهانی دوم جایگزین دولت استعماری انگلیس شده بود توقف برنامه‌های توسعه‌طلبانه روسها را می‌خواست. برای امریکاییان در کنترل داشتن نظام سیاسی ایران به عنوان کشوری با ۱۴۰۰ کیلومتر مرز آبی در خلیج فارس می‌توانست نقش بسیار ارزنده‌یی در

حفاظت منطقه و مقابله با قیام‌های مردمی یا شورش‌های ضدغربی مانند شورش ظفار بر ضد سلطان قابوس داشته باشد. از همین رو نقش ژاندارم منطقه به شاه ایران محول گردیده بود. در سال ۱۹۷۹ میلادی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و در سال ۱۹۹۱ میلادی رقیب سرسخت ایالات متحده آمریکا یعنی اتحاد جماهیر شوروی از هم فروپاشید. با وجود کنار رفتن آن کشور از صحنه رقابت با آمریکا و پایان یافتن جنگ سرد، نگرانی آمریکاییان از این منطقه همچنان پابرجا است. اموقعیت جغرافیایی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای حوزه خلیج فارس ضمن آنکه در دوران جنگ سرد از موقعیتی استراتژیک برخوردار بود، در قرن جدید نیز این عامل با دید ژئواکونومیکی انطباق یافته و موقعیت منطقه‌ای آن تبدیل به موقعیت بین‌المللی گردیده است. این موقعیت استثنایی جایگزین ناپذیر می‌تواند نقش محوری در تدوین استراتژی منظومه‌های قدرت در سده حاضر در پی داشته باشد. ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل مناسب عملیاتی و شمار زیادی جزایر استراتژیک در اختیار دارد و در شمال با دومین منبع نفت و گاز جهان هم مرز است.

اما با این حال ایران با توجه به دارا بودن حدود ۱۷ درصد از ذخایر گازی جهان، فاقد نقشی متناسب با ذخایر خود در بازارهای جهانی است. از صادرات ۸۷/۴۵۴ میلیارد متر مکعب گاز در دنیا از طریق خط لوله طی سال ۲۰۰۳ روسیه با برخورداری از ۳۰ درصد از ذخایر اثبات شده گاز جهان، سهمی معادل ۲۹ درصد را به خود اختصاص داده است. الجزایر نیز با برخورداری از ۹/۲ درصد از ذخایر اثبات شده گاز، دارای سهمی در حدود ۱۰ درصد از کل صادرات گاز دنیا می‌باشد. سهم قطر از بازار صادرات گاز نیز ۲/۳ درصد است. در حالی که سهم ایران در بازار صادرات گاز تنها ۰/۷۶ درصد است و در بین کشورهای صادر کننده گاز از طریق لوله در جایگاه شانزدهم جهانی قرار دارد. در صورت محاسبه گاز به صورت مایع، سهم ایران ۰/۵ درصد است.

از طرفی بزرگترین بازار بالقوه صادرات گاز ایران، بازار اتحادیه اروپایی است که میزان مصرف گاز طبیعی در این اتحادیه به ۷۲۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید و این در حالی است که اعضای اتحادیه اروپا تنها ۲ درصد از منابع گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند و بیش از ۱۶ درصد گاز مصرفی جهان به آنها اختصاص دارد. علی‌رغم آنکه در قلمروهای ژئواکونومی جدید، ایران دارای نقش حیاتی بویژه در منطقه خاورمیانه به طور اعم و خلیج فارس به طور اخص است و می‌تواند به عنوان تنها کشوری که ضمن تسلط بر سراسر کرانه شمالی از امکانات ویژه‌ای برای بازیگری در خلیج فارس برخوردار باشد. لیکن از رهبری ژئوپلیتیکی منطقه و تاثیر گذاری بر سیاست‌های تولید و انتقال انرژی محروم است.

این نکته را هم باید اضافه کرد که ایران قادر با بازیگری چند وجهی لایه است. این بازیگر قادر به ایجاد پیوندهای اقتصادی - سیاسی و حفظ و تقویت آنها در این عرصه باشد. ایران به عنوان یکی از تولید کنندگان نفتی خاورمیانه، بازیگری انتقال دهنده و تسهیل گر در عرصه پوشش‌های انرژی امتیاز بزرگ دیگری نیز دارد و آن تسلط بر تکیه گاه قلمرو ژئواکونومی خاورمیانه است. به صورتی که با اتصال حوزه‌های ژئوپلیتیکی مختلف، میدان عملیاتی دفاع از منافع سایر بازیگران را هم در اختیار دارد. به عبارت دیگر در نقشه‌های ژئواستراتژی قدرت‌های بزرگ هم به عنوان بازیگر اول منطقه‌ای لحاظ می‌شود.

در نهایت باید خاطر نشان ساخت کشور ایران در کانون منطقه‌ای واقع شده که محور اصلی فضای سیاسی حاکم بر آن اقتصاد انرژی است و به عنوان یک قدرت منطقه‌ای جدیدی در حال ظهور است و یک نقش رهبری را در تعامل دیپلماتیک خاورمیانه ایفا می‌نماید. بنابراین امنیت آن در شرایطی برقرار می‌شود که جهت‌گیری این واحد، هماهنگ با فضای حاکم بر قلمرو خاورمیانه باشد. در یک زنجیره غیر قابل انکار، خاورمیانه محور امنیت جهانی و ایران محور اصلی برقراری امنیت در خاورمیانه است و از این رو نقش محوری تأمین امنیت منطقه‌ای جهانی را به طور بالقوه داراست. به همین جهت به نظر می‌رسد که آمریکا نیازمند دیدگاهی است که به این کشور بگوید، ایران چگونه باید در یک سیستم جدید امنیتی خاورمیانه لحاظ شود.

از بعد قدرت اقتصادی، موقعیت ژئواکونومیک و هیدرواکونومیک ایران، بسیار حساس است. شریان‌های انرژی فسیلی جهان هم‌چون رگ‌های این قلب تپنده، از جوار ایران، به اعضاء و جوارح جهان پمپ می‌شود. بازار منطقه، بازار هدف کالاهای شرق و غرب است. هم‌چنین منابع زیرزمینی منطقه، منابع اقتصاد استراتژیک کشورهای مختلف است. از نظر قدرت سیاسی، در محیط استبدادی و استعمارزده منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک ایران، به دلیل وجود حکومت مستقر و مستقل، بسیار حائز اهمیت است. غرب می‌کوشد در تبلیغات خود دولت ترکیه و دولت غاصب و جعلی اسرائیل را تنها دموکراسی‌های منطقه بخواند و زیر بار فشار روانی اتهام حمایت از دولت‌های مرتجع و استبدادی کشورهای عربی، رژیم اسرائیل را نماد دموکراسی واقعی بخواند. حال آن که جمهوری اسلامی به‌عنوان یگانه حکومت مردم‌سالاری دینی در جهان، از حیث استقلال سیاسی می‌درخشد و این موضوع که حکایت از عدم تعهد واقعی به قدرت‌های بیگانه دارد، موقعیت ایران را در منطقه و جهان حائز اهمیت روز افزون نموده است. اکنون ایران بازی‌گری مهم در پهنه منطقه است که در معادلات جهانی نمی‌توان آن را نادیده گرفت. از نظر فرهنگی، موقعیت ژئوکالچر ایران بسیار ممتاز است. ایران امروز با یک دامنه فرهنگی فارسی‌زبانان از کردستان عراق تا افغانستان و قلب آسیای میانه، نفوذ فرهنگی دارد. هم‌چنین با یک دامنه فرهنگی شیعی، از افغانستان و پاکستان در شرق تا عراق و لبنان در غرب و آذربایجان در شمال و بحرین در جنوب، نفوذ مذهبی چشمگیری دارد. تأثیر این نفوذ را می‌توان در معادلات فرهنگی، سیاسی و نظامی منطقه جنوب غرب آسیا دید.

منابع

- ابوالفتحی، مجید، لطفی، حیدر (۱۳۹۷)، تحلیل و بررسی نقش بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس در معضل ریزگردها، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۸(۴)، ۱۲۱-۱۴۳.
- اخباری، محمد (۱۳۹۶)، فرصت‌های ژئوپلیتیکی در روابط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای خاورمیانه (مطالعه موردی کشور عراق از ۲۰۱۰-۲۰۱۷)، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰(۱)، ۴۵-۶۰.
- افضلی، رسول، احمدی، سیدعباس، واثق، محمود، جهانیان، منوچهر (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی چارچوب تنظیمی سفر و گردشگری در کشورهای حاشیه خلیج فارس، با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۶(۳)، ۸۲-۹۶.
- اقبال، ناصر، عاشوری، غلامرضا، نجفی، عباس، عالی فرجا، سجاد (۱۳۹۵)، نقش ایران و آمریکا در امنیت خلیج فارس با تأکید بر دوران بعد از انقلاب اسلامی و استراتژی فرمانطقه‌ای ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۹(۱)، ۲۴۳-۲۶۸.

- پویا، مریم (۱۳۹۸)، بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی هرمز در زمان صفویه و تسلط پرتغالی‌ها بر آن منطقه، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۴)، ۳۸۹-۴۰۲.
- حسینی احمدی، سید محمد رضا، گلشنی، علیرضا، شفیعی، اسماعیل (۱۳۹۸)، آسیب‌شناسی منطقه‌ای - جغرافیایی نقش نخبگان ایرانی در تصمیم‌سازی از دیدگاه سیاستگذاری عمومی، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹(۳)، ۴۰۵-۴۲۷.
- حیدری صوفیانی، حجت‌الله، پیشگاهی فرد، زهرا، عزتی، عزت‌الله، عزیزاده، عمران (۱۳۹۷)، امنیت‌سازی پایدار در خلیج فارس. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۸(۴)، ۵۹-۴۱.
- حیدری، حجت‌الله، پیشگاهی فرد، زهرا، عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۶)، تحلیل بحران سوریه با تأکید بر بازیگران و تأثیر آن بر امنیت‌سازی در خلیج فارس. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰(۱)، ۲۷۹-۲۶۱.
- زیتنی، سعید، مجتهدزاده، پیروز، لطفی، حیدر (۱۳۹۸)، تحلیل و بررسی پتانسیل‌های عمق ژئوپلیتیک ایران در مقابله با تحریم‌های همه‌جانبه غرب: مطالعه موردی آمایش سرزمینی مناطق غرب کشور. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹(۲)، ۶۱۵-۶۴۰.
- سهرابی، امین، شریعت‌پناهی، مجید ولی، پیوندی، رضا (۱۳۹۸)، تحلیل منازعات منطقه خاورمیانه از منظر مؤلفه‌های ژئواکونومیک. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۱۰(۲-۱)، ۵۲۹-۵۰۱.
- شریعت‌پناهی، مجید ولی، عابدینی، محسن، عبدالملکی، حسن (۱۳۹۳)، بررسی نقش بنیان‌های جغرافیایی در برنامه ریزی توسعه پایدار روستایی با استفاده از مدل SOWT (مطالعه موردی شهرستان پاکدشت)، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۶(۴)، ۲۱۱-۲۲۰.
- شریعت‌پناهی، مجید ولی، کریمی پاشاکی، سجاد، کاظمی پور، علی، زیتنی، سعید، امان‌الله، مهدی (۱۳۹۶)، تحلیل جایگاه ایران در حوزه ژئواستراتژیک اقیانوس هند «با تأکید بر ارائه یک مدل راهبردی در سیاست خارجی و برنامه ریزی اقتصادی». فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۹(۲)، ۲۲۳-۲۴۳.
- شعبانی، مریم (۱۳۹۸)، نقش و موقعیت استراتژیک ایران در ایجاد خطوط انتقال انرژی (نفت و گاز) به اروپا و تأثیر آن بر همگرایی فرا منطقه‌ای ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۳)، ۴۴۴-۴۳۱.
- طاهری، مسعود، حیدری، غلامحسین، عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۷)، تحلیل معادلات قدرت جهانی در بستر ژئوکالچر؛ تقابل، رقابت یا همکاری، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰(۴)، ۱۶۳-۱۹۱.
- عاشوری، غلامرضا، مرتضایی، شیدا (۱۳۹۷)، بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰(۲)، ۱۹۱-۲۱۴.
- عالیفرجا، سجاد، لطفی، حیدر، شریعت‌پناهی، مجید ولی، اسمعیل پور روشن، علی اصغر (۱۳۹۸)، مقایسه راهبردهای امنیتی ایران و امریکا برای امنیت‌سازی در خلیج فارس. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹(۴)، ۳۹-۶۶.
- عربگری، مریم، لطفی، حیدر (۱۳۹۸)، بررسی و تحلیل ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع مرزی ایران در غرب و جنوب غرب (با تأکید بر اعراب) در راستای توسعه روابط ایران و کشورهای عربی (آمایش سرزمینی در مناطق مرزی)، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹(۳)، ۵۰۹-۵۳۱.
- عزتی، دکتر عزت‌الله، حسینی، شهلا (۱۳۹۳)، بازنمایی تاثیر مذاکرات در کاهش منازعات و افزایش همگرایی کشورهای حوزه خزر مطالعه موردی ایران و جمهوری آذربایجان. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۶(۴)، ۱۹۱-۲۰۹.
- عزتی، عزت‌الله، نامی، محمدحسین (۱۳۹۱)، بررسی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران-عراق. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۴(۳)، ۱۸۷-۲۳۵.
- عزتی، عزت‌الله، خضری، دلشاد، رحیمی، علی (۱۳۹۳)، بررسی ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان در بحرین بدنبال تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۶(۳)، ۴۰-۵۵.

- غلامرضایی، یوسفعلی، حسن آبادی، داوود(۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل نظام تقسیمات کشوری در ایران با تأکید بر متغیرهای علمی و جغرافیایی: مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۸(۱)، ۲۷۷-۲۹۸.
- فراهانی، مرتضی، پیشگاهی فرد، زهرا(۱۳۹۳)، رتبه بندی قدرت ملی کشورهای حاشیه خلیج فارس به روش TOPSIS، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۶(۳)، ۱۴۲-۱۶۰.
- فلاح تبار، نصراله (۱۳۹۶)، تنگه استراتژیک و ژئوپلیتیک هرمز و نقش راهبردی ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۹(۲)، ۱۹-۳۲.
- فیروزی، زینب(۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل رژیم حقوقی دریای خزر با توجه به منافع حداکثری جمهوری اسلامی ایران؛ با محوریت راهبردهای ملی و تمامیت ارضی. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۸(۲)، ۱۱۸-۱۳۸.
- قاسمی، رضا، فرجی راد، عبدالرضا، عزتی، عزت اله(۱۳۹۶)، بسترهای تنش در جغرافیای سیاسی دریاها بر اثر بالا آمدن سطح آب دریاها با تأکید بر ژئوپلیتیک عراق در خلیج فارس. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۹(۲)، ۹۱-۱۰۶.
- قصاب زاده، مجید، اخباری، محمد، حسن آبادی، داوود(۱۳۹۸)، نقش منطقه گرایی بر روابط ژئواکونومی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۹(۴)، ۶۶۵-۶۸۰.
- کردوانی، پرویز، فرجی راد، عبدالرضا، کاوسی، بهنام(۱۳۹۵)، ژئوتوریسم استان مازندران با تأکید بر بندر نوشهر. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۸(۳)، ۱-۲۱.
- کریمی، زین العابدین، لطفی، حیدر، ناصری منش، علی(۱۳۹۷)، برنامه ریزی توسعه گردشگری در ایران با تأکید بر توسعه جزایر خلیج فارس؛ جزیره قشم. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۸(۴)، ۳۶۹-۳۹۳.
- لطفی، حیدر، تیموری، قاسم، مهمانپرست نودهی، کسرا، راستاد بروجنی، مرضیه(۱۳۹۴)، نقش گردشگری در تامین منافع ملی ایران در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۷(۲)، ۵۳-۶۸.
- لطفی، حیدر، حیدری، جهان، حیدری، زهره، رفیعی، محمد(۱۳۹۵)، بررسی تغییر و تحولات سیاسی و ارتباط آن با مکان‌های شهری (مطالعه موردی تحولات سیاسی در مصر)، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۸(۲)، ۱۵۴-۱۷۴.
- مرادی نیا، سجاد، پیشگاهی فرد، زهرا، یزدان پناه، کیومرث، زارعی، بهادر(۱۳۹۸)، تأثیر ساختار ژئوپلیتیک حاکم بر روابط روسیه و ایالات متحده آمریکا بر رقابت آنها در جنوب غرب آسیا. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۲)، ۲۳۹-۲۶۰.
- مشکین فر، آدینه، لطفی، حیدر، صحراگرد، غلامرضا(۱۳۹۶)، بررسی رابطه برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی با احساس امنیت شهروندان؛ مطالعه موردی معابر شهر رشت در راستای ارائه مدلی کاربردی برای ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۷(۳)، ۲۱۷-۲۳۸.
- نامی، محمدحسن، بارانی پسپان، وحید، سعیدی، غلامرضا(۱۳۹۳)، بحران مناطق شرق و تحلیل ژئوپلیتیکی برای مدیریت برون رفت از آن، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۶(۲)، ۹-۱۹.
- نجفی، عباس، لطفی، حیدر، مجتهد زاده، پیروز(۱۳۹۸)، ساماندهی فضای مرزی ایران در خلیج فارس از لحاظ قاچاق کالا و گردشگری. فصلنامه جغرافیا(برنامه ریزی منطقه ای)، ۹(۳)، ۷۴۷-۷۷۰.
- هداوند میرزایی، محراب(۱۳۹۶)، نقش کشور عربستان در گسترش تروریسم و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۹(۲)، ۱۳۹-۱۵۵.
- یحیی پور، محمد مهدی، قیامی تکلیمی، سیده آمنه، نجفی، عباس(۱۳۹۶)، تحلیل حقوقی قرارداد بیع متقابل در بهره برداری از مناطق نفت و گاز دریای خزر با تأکید بر حفظ تمامیت ارضی ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۹(۳)، ۱۹۷-۲۲۲.
- یزدان پناه درو، کیومرث(۱۳۹۷)، نقش تطبیقی آمایش سرزمین در تبیین رابطه جغرافیا با توسعه: با تأکید بر نواحی خاص مرزی، ساحلی جنوب ایران. فصلنامه جغرافیا(برنامه ریزی منطقه ای)، ۸(۳)، ۷-۲۳.

یزدان پناه، کیومرث، زارعی، بهادر، واثق، محمود، دهقان، فتح اله (۱۳۹۸)، سهم ایران از دریای خزر همچنان درهاله‌ای از ابهام. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۱)، ۴۲۳-۴۴۰.

یزدان پناه، کیومرث، زارعی، بهادر، واثق، محمود، دهقان، فتح اله (۱۳۹۸)، سهم ایران از دریای خزر همچنان درهاله‌ای از ابهام. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۱)، ۴۲۳-۴۴۰.

Golfshan, Atefeh and Mahmoud Vaseg (2016), Exploring and Explaining the Role of Philosophical Thoughts in Political Geography (Case Study: Political Geography in Thomas Hobbes's Thought), Political Geographic Quarterly.

Mahmudi, S. 2009, Role of Administrative Division on Provincial Development of Kermanshah, Master Thesis, Earth Science Faculty, Shahid Beheshti University. (in Persian)

Pour Ahmad, Ahmad (2001), The Position of Man in the Viewpoint of Muslim Geographers of the Middle Ages, Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, vol. 158 and 159.

Shayan, Siavash (2015), First Speech: Classification of Science, Geography and Quarterly Journal of Geography Education, Quarterly Journal of Geography Education, No. 112.

<http://portal.nlai.ir>

<https://www.tehrantimes.com>